

بسم الله الرحمن الرحيم: قطريه ۸۵ از کتاب هزار و یک قطريه در رفع خشکسالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله - در این بحث اثبات می‌کنیم دلیل خشکسالی و بیشتر مشکلات فعلی ایران تفکرات جناب دکتر حسن روحانی می‌باشد و این مطلب را از چهار منظر اثبات مینماییم: **الف**: از منظر اهل سنت که رسول الله ص را قبول دارند **د**: از منظر علمای سنتی شیعه که ولایت اهلیت را قبول دارند ولی ولایت فقیه را قبول را ندارند **ج**: از منظر علمایی که ولایت فقیه را مضارب بردو ولایت دیگر قبول دارند **ه**: از منظر داشنگاهیانی که کاری با امور معنوی و علل غیر حسی ندارند و در قطريه‌های بعدی اثبات مینماییم اگر سکوت نماییم ما هم در شدت پیدا کردن خشکسالی و نزول عذاب دخیل می‌باشیم.

مقدمه: در فیلم منتشرشده از جناب آفای دکتر حسن روحانی ایشان فرمودند: ما در کشور معمصون نداریم مگر اینکه یکوقت امام دوازدهم اگر ظهور کرد آن وقت هم می‌شود نقد کرد. پیغمبر هم اجازه نقد می‌داد دیگه بالاتر از پیغمبر که در تاریخ نداریم. وقتی پیغمبر یک صحبتی می‌کرد یک نفر بلند می‌شد، روپروری پیغمبر می‌گفت: آ من الله آ منك؟ این حرفی که میزني نظر خودت است یا خدا وحی کرده است؟ اگر می‌گفت «من الله» که هیچ امر خداست اما اگر می‌گفت «من» طرف مقابل انتقاد میکرد می‌گفت قبول ندارم و نقد می‌کرد. ما در زمان حکومت معمصون هم نقد را داریم-تم- برای اطلاع بیشتر به قطريه‌های ۸۴ الی ۸۰ مراجعه نمایید- مقدمتا عرض مینماییم که نقد کردن در لغت به معنای: آشکار کردن خوب از بد و قوت از ضعف است و این بخلاف سوال کردن و رفع ابهام و اشکال است.

الف: اثبات اینکه: از نظر اهل سنت نقد رسول الله ص موجبات دوری برکت خداوند و عذاب را به همراه دارد و این تئوری بسیار خطناک می‌باشد و اگر ادامه یابد خوف این می‌رود که تمامی ملت دچار عذاب الهی شوند، مطلب بسیار آشکار است، اگر کسی به خود اجازه دهد پیامبر اسلام ص را نقد کند به پیامبر اسلام ایمان نیاورده است و این شخص اسباب عذاب را برای خود فراهم آورده است و عذاب دنیا قبل از عذاب آخرت در راه است: چرا که یکی از دلایل قرآنی بر نزول عذاب بر امت‌های گذشته انکار انبیاء بود، حال اگر کسی اجازه دهد، مضافاً بر این مطلب مساوی با انکار نماینده خدا متساوی با انکار خداوند و انکار خداوند غصب خدا را به همراه دارد، مضافاً بر اینکه همیشه اینگونه نیست که نقد کننده قانع شود، نقد کننده خود را بر حق و طرف مقابل را باطل میداند. آیا با رسمیت دادن به نظریه‌ی نقد پیامبر ص دیگر توقعی است که مثلاً یهود و نصاری بیشتر از گذشته به اسلام حمله نکنند؟ وقتی ما خودمان اعلام می‌کنیم که می‌توان پیامبر خودمان را نقد کرد، حتماً نقد پیامبر و قرآن توسط یهود و نصاری و شیطان پرستها به طریق اولی مورد قبول است، اگر یک مسلمان به خود اجازه داد پیامبر را نقد کند و بعد اعلام نماید که من نقد کردم و جواب معقولی نشنیدم بعد از آن چه می‌شود؟ آیا هر مغربی نمیتواند اعلام کند که من در اسلام چیز قابل قبول نمیدم و چیزی که سلمان رشدی مطرح نمود چه بود؟ او هم پیامبر اسلام را در قالب رمانی نقد نمود، نقد او این گونه بود که اعلام داشت درین آیات قرآن کلامی توسط شیطان القاء شده است با این تز مطرح شده سلمان رشدی محکوم نیست بلکه او یک نقد کننده‌ای بوده است که جواب قانع کننده نشینیده است، لذا با این تئوری دائمآً افراد با اعراض شیطانی می‌آیند و مطالب ضد دین را در قالب نقد مطرح می‌کنند و به اسم آزادی بیان تمام اسلام را زیر سؤال می‌برند. اگر هم کسی فکر کند با یک تکذیبیه توسط شخص دیگری کار درست می‌شود سؤال می‌کنیم: این نظریه در جامعه مطرح شده و چه بسا بسیاری قبول کرده باشند با آنان چه کارکیم؟ که متأسفانه حتی بعضی از افراد این نظریه را تکمیل نمودند و نظریه‌ی نقد پیامبر را با دلایل بیشتری مطرح نمودند، لذا طبق نظر اهل سنت: اگر جامعه‌ی اسلامی به خود اجازه دهد که پیامبر را نقد کند: آیا خدای پیامبر به طرفداری از پیامبر پاک‌ها بر آن جامعه عذاب نمی‌کند؟ آیا خشکسالی و مصیبتهای اجتماعی ما بی‌دلیل است؟ آیا خشکسالی و ... خارج از محدوده‌ی قدرت خدا می‌باشد و امری طبیعی است؟ آیا خداوند بی‌دلیل رحمت خود را از ایران منع نموده است و یا اینکه خشکسالی و البته همه چیز لشکر خداوند تا ما را بیدار نماید؟ آیا میتوان گفت کسی که اجازه نقد رسول الله را به خود می‌دهد به رسول خدا ص ایمان دارد، مگر قرآن نمی‌فرماید: **وَمَا يَنْطَقُ عَنِ الْهَوَى إِنْ هُوَ إِلَّا حَيٌّ يُوحِي** و سخن از روی هوی نمی‌گوید نیست این سخن جز آنچه بدو وحی می‌شود- اگر ما بگوییم می‌توان رسول الله را نقد کرد باید بگوییم کلام پیامبر ص وحی نیست و این مساوی با انکار قرآن و کلام خداوند، چرا که قرآن کلام پیامبر ص را وحی میداند، آیا خدا به حمایت از رسول خود عذاب نازل نمی‌کند؟ آیا اقوام گذشته بی‌جهت دچار عذاب شدند؟ آیا ما با خداوند قرابتی داریم که بر ما عذاب نازل نشود؟ آیا می‌تواند انسانی پیامبر خدا باشد ولی بتوان در کلام او خدشه وارد کرد و او را نقد نمود؟ اگر احتمال این داده شود که پیامبر خدا را بتوان نقد کرد پس اولاً غیر از قرآن را نمی‌توان قبول نمود چون حدیث کلام رسول الله است نه کلام خدا و می‌توان تمامی احادیث را نقد کرد و قبول نکرد؟ در مرحله‌ی بعد قرآن را هم نمی‌توان قبول نمود چرا که چه بسا نعوذ بالله پیامبر ص که فرموده این کتاب از طرف خداوند است از طرف خدا نباشد، که همین مطلب نیز در زمان رسول خدا ص مطرح بوده و قرآن به این مطلب در سوره‌ی الحاقة بین آیات ۴۶ الی ۴۷ اشاره دارد و می‌فرماید: **وَلَوْ تَنَوَّلْ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ لَأَخْذَنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينِ فَمَا مُنْكِمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ** و اگر [او] پاره‌ای گفته‌ها بر ما بسته بود دست راستش را سخت می‌گرفتیم سپس رگ قلبش را پاره می‌کردیم و هیچ یک از شما مانع از [عذاب] او نمی‌شد، لذا به این نتیجه می‌رسیم این تفکر و امثال آن از نظر اهل سنت باعث غصب الهی و نزول عذاب می‌باشد و این زلزله‌های پی‌دی‌پی و خشکسالی و آلدگی‌ها و مشکلات معیشتی مردم ... بی‌جهت نمی‌باشد و در حقیقت به دلایل مختلف آیه‌ی ۶۵ سوره‌ی انعام در حق جامعه‌ی ما تحقق پیدا نموده است: **فُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ قَوْقَكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتَ أَرْجُلَكُمْ أَوْ يُلْسِكُمْ شَيْعًا وَيُدُّيَقَ بَعْصُكُمْ بَأْسَ بَعْضِ اَنْطَرَ كَيْفَ تُنَصِّرُ الْآيَاتَ لَعَلَّهُمْ يَقْهُنُونَ بَعْضًا** این معرفتی که از بالای سرتان یا از زیر پاها یا زیر سرمه‌ایان عذابی بر شما بفرستد یا شما را گروهه گروه به هم اندازد [و دچار تفرقه سازد] و عذاب بعضی از شما را به بعضی [دیگر] بچشاند بنگر چگونه آیات [خود] را گوناگون بیان می‌کنیم باشد که آنان بفهمند (۶۵) لذا باید سریعاً توبه نمایند. نقد رسول الله انکار رسول خدا را به همراه دارد و انکار رسول خدا نفرین رسول الله را به همراه دارد و نفرین رسول الله ص عذاب و خشکسالی را به همراه دارد: مسلم در صحیح خود به سندش از ابن مسعود نقل می‌کند که قریش نافرمانی رسول خدا نمود و از قبول اسلام سرباز زد، پیامبر ص در حق آن‌ها نفرین کرد و به خداوند عرض کرد: «بار خدایا! همانند هفت سال یوسف بر آنان قحطی بفرست». در این هنگام بود که خشکسالی شبه‌جزیره حجاز را فراگرفت و کار به جایی رسید که مردار می‌خوردند و از شدت گرسنگی و عطش، آسمان را همانند دود مشاهده می‌کردند. (مسلم بن حجاج، ۱۴۰۷: ۵/ ۳۴۲، بخاری، ۱۴۰۷: ۴/ ۱۷۳۰) باید سریعاً توبه کرد.

ب: اثبات اینکه نقد رسول الله ص و امام معمصون ع موجبات دوری برکات خداوند و نزول عذاب و خشکسالی ... را به همراه دارد از منظر شیعیان سنتی که ولایت فقیه را قبول ندارند - از نظر این دسته مطلب بسیار واضح است ولایت اهلیت همان ولایت رسول خداوند است و ولایت رسول خدا ولایت خداوند است و انکار این ولایت موجب عذاب دنیا و آخرت است که در ماجراهای شأن نزول آیه‌ی سال سائل بعذاب با انکار ولایت در دنیا قبل از آخرت عذاب واقع شد و نقد امام معمصون مساوی با انکار آنان است و تمامی مطالبی که در بند الف گفتیم در اینجا عیناً تکرار می‌شود. تنها به یک روایت از منابع اهل سنت اشاره می‌نماییم: ابواسحاق نیشابوری در تفسیرش، شأن نزول آیه را در مورد نعمان بن حارث بیان می‌کند و درین‌باره روایتی را از سفیان بن عینه نقل می‌کند. وی می‌نویسد: زمانی که سؤال‌کننده‌ای از سفیان بن عینه از تفسیر گفتار خداوند عزوجل و شأن نزول آیه «سأَلَ سَائِلٍ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ» سؤال کرد که درباره چه کسی نازل شده است؟ سفیان در پاسخ گفت: از مسئله‌ای از من سؤال کردی که هیچ کس پیش از تو درباره این مسئله از من چیزی نپرسیده است. پدرم حکایت کرد برای من از جعفر بن محمد، از پدرانش (سلام الله عليهم) که چون

رسول خدا در غدیر خم بود، مردم را ندا کرده و فراخواند و مردم جمع شدند، آنگاه دست علی را گرفت و فرمود: «من کنت مولاھ فعلی مولاھ»، این گفتار شیوع پیدا کرد و به شهرها رسید و از جمله به نعمان بن حارث فهری رسید و به نزد رسول خدا ص آمد، درحالی که بر روی شترش سوار بود و تا به پیامبر رسید از شتر خود پیاده شد و شتر را خوابانید، آنگاه به پیغمبر گفت: یا محمد! تو از جانب خداوند ما را امر کردی که شهادت دهیم: جز خداوند معبدی نیست و اینکه تو فرستاده و پیامبر از جانب خدای! و ما اینها را قبول کردیم و پذیرفتیم! و تو به ما امر کردی که در پنج نوبت نماز بخوانیم و ما پذیرفتیم! و تو به ما را امر نمودی که زکات اموال خود را بدھیم و ما پذیرفتیم! و تو ما امر کردی که یک ماه روزه بگیریم و ما پذیرفتیم! و تو ما را امر کردی که حج انجام دهیم و ما پذیرفتیم! و پس از اینها به اینها راضی و قانع نشدی تا آنکه دو بازوی پسر عمومیت را گرفته و برآفراشتی و او را بر ما سروری و آقایی دادی و گفت: من کنت مولاھ فعلی مولاھ. آیا این کاری که کردی از جانب خودت بود و یا از جانب خداوند عزوجل؟ پیامبر ص فرمود: سوگند به آنکه جز او خداوندی نیست، این از جانب خدا بوده است. نعمان بن حارث، پشت کرد و به سوی شتر خود می‌رفت و می‌گفت: اللهم ان کان ما يقول محمد حقا فامطر علينا حجاره من السماء او ائتنا بعذاب اليه؛ بار پروردگارا اگر آنچه را که محمد می‌گوید، حق است، سنگی از آسمان بر ما بیار و یا آنکه عذاب دردنگی برای ما بفرست. نعمان بن حارث، هنوز به شتر خود نرسیده بود که خداوند سنگی از آسمان بر او زد و آن سنگ بر سرش خورد و از پشتش خارج شد و او را کشت و خداوند عزوجل این آیه را فرستاد: - سأل سائل بعداب واقع - (علبی، ۱۴۲۲: ۳۵ / ۳۵) پس از نظر این دسته نیز این تئوری مقدمه عذاب است.

چ: اثبات اینکه تئوری نقد پیامبر و امام معصوم و مخالفت عملی با ولی فقیه و زیر سؤال بردن امام معصوم با هدف زیر سؤال بردن ولی فقیه جامع شرایط موجبات نزول بلا بر آن جامعه را فراهم می‌یاورد، از منظر شیعیانی که قائل به تشکیل حکومت دینی و ولایت‌فقیه هستند- مضافا بر دو بند بالا طبق مبانی مورد قبول این دسته، ولایت ولی فقیه جامع شرایط، در طول ولایت اهلیت و پیامبر و خداوند می‌باشد و مقابله با این ولایت مقابله با خدا و رسول و اهلیت می‌باشد، طبق این نظریه فرد و شخص ولی فقیه از دو جنبه مورد بررسی قرار می‌گرد از لحاظ شخص و شخصیت، آنچه مهم است شخصیت می‌باشد و این جنبه است که به او جنبه‌ی تقاضی الهی می‌دهد کما اینکه تمامی علماء و مؤمنین از این جهت مهم و مقدس بوده و هستند، ولی فقیه ناقل و حاکی کلام معصوم است و مخالفت با او مخالفت با خدا و رسول خدا ص است، که روایت حتی در مورد مومن میفرماید: المؤمن اعظم حرمه من الكعبه حرمت مومن از حرمت کعبه بالاتر است و زمانی که به فردی از این حیثیت توهین شود خداوند از او با مقامی توان حمایت می‌کند که قرآن می‌فرماید: ان الله يدافع عن الذين آمنوا، ما در جملات جانب آقای روحانی اجازه نقد رسول الله و امّه مخصوصین را صریحاً شاهد هستیم که در بند الف و ب اثبات مودیم که این تئوری نزول عذاب را به همراه دارد، اما طبق عقیده‌ی قائلین به ولایت‌فقیه در آن کلمات تلویحاً این بحث مطرح شده که جامعه به نقد رهبر انقلاب پیردادزد که طبق نظر این گروه باز شدن این باب عذاب الهی را به همراه دارد و این مطلب بسیار روشن است که عملکرد و گفتار ایشان با سیاستهای تبیین شده از جانب رهبر انقلاب مخالف است مانند جریان برجام و اسلام رحمانی و اعتماد و تکیه بر غرب و ... هدف ایشان از طرح این بحث چه بوده است؟ آیا میخواهند مشکلات عدم به نتیجه رسیدن دولت را بر دوش رهبر انقلاب بیندازد؟ آیا هدف این است که مشکلات را به پای اسلام بیندازد؟ ما در بحثهای آینده مباحث و عملکرد دولت را بررسی خواهیم نمود و اثبات می‌کنیم: تئوریها و عملکردهای ایشان نه اسلامی بوده است و نه مطابق با فرمایشات رهبر انقلاب می‌باشد، اگر چه که ایشان شاید تلاش کند که به گونه‌ی دیگری ادعا کنند این مطلب نیز واضح است، ما اعلام میکنیم اولا مشکلات ما از اسلام نیست، ثانیا اینگونه هم نیست که آقای روحانی و تیم ایشان اسلام را بهتر فهمیده باشند که اگر به آن عمل نماییم نجات پیدا نموده بودیم ثالثاً: تا کنون هم ایشان به آنچه اعتقاد دارند عمل نموده‌اند و نه چیز دیگری، بله طبق آنچه مشهود آقای دکتر روحانی همه را نقد مینمایند و امیدواریم حداقل در آینده به کلام منتقدین گوش فرا دهنند، دیدیم که ۴ سال وقت این ملت با برجام بر باد رفت و تنها مدار افتخار برای ما حاصل گردید، بله آقای روحانی در سخنرانی خود این پیام را به جامعه دادند که ما معصوم در این جامعه نداریم و همه باید نقد شوند و تلویحاً اعلام کردند باید رهبر انقلاب نقد شوند، درحالی که در بیشتر مسائلی که آقای روحانی مطرح کرده و عمل می‌کنند ما بوبی از اسلام ناب نمی‌بینیم ایشان در خوش‌بینانه ترین حالت اسلام را به گونه‌ای می‌شناشد که شریعتی از اسلام شناخت دارد که همه در سخنرانی ایشان دیدیم که استناد ایشان بجای اینکه به عالمی برجسته باشد به صحبت‌های آقای دکتر شریعتی بود، آیا شریعتی یک اسلام‌شناس است؟ اصلاً شریعتی خوب آیا کلام او مورد استناد است و یا کلام علمای ما و یا کلام اهلیت ع و قرآن؟ اینجا لازم است به این سؤال پاسخ دهیم چرا رهبر انقلاب دامت برکاته در مقابل آقای روحانی موضع نگرفتند؟ جواب این است که پرچم‌دار حفظ و صیانت از خدا و امّه مخصوصین، ولی فقیه است که در جریان سلمان رشدی این موضع‌گیری را دیدیم که امام ره فرمودند: بسمه تعالیٰ إِنَّ اللَّهَ وَ إِنَّ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ - به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می‌رسانم مؤلف کتاب «آیات شیطانی» که علیه اسلام و پیامبر و قرآن، تنظیم و چاپ و منتشر شده است، همچنین ناشرین مطلع از محتوای آن، محکوم به اعدام می‌باشند. از مسلمانان غیور می‌خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند، سریعاً آن‌ها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرئت نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید و هر کس در این راه کشته شود، شهید است ان شاء الله. ضمناً اگر کسی دسترسی به مؤلف کتاب دارد ولی خود قدرت اعدام او را ندارد، او را به مردم معرفی نماید تا به جزای اعمالش برسد . والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته ۲۵ - و در تاریخ ۱۳۶۷ بهمن ۲۹ اطلاعیه‌ای از دفتر امام صادر شد به این صورت: بسمه تعالیٰ رسانه‌های گروهی استعماری خارجی به دروغ به مسئولین نظام جمهوری اسلامی نسبت می‌دهند که اگر نویسنده کتاب آیات شیطانی توبه کند حکم اعدام درباره او لغو می‌گردد. امام خمینی- مد ظله- فرمودند: این موضوع صد در صد تکذیب می‌گردد. سلمان رشدی اگر توبه کند و زاهد زمان هم گردد، بر هر مسلمان واجب است با جان و مال تمامی هم خود را به کار گیرد تا او را به درک واصل گرداند. حضرت امام اضافه کردند: اگر غیرمسلمانی از مکان او مطلع گردد و قدرت این را داشته باشد تا سریعتر از مسلمانان او را اعدام کند، بر مسلمانان واجب است آنچه را که در قبال این عمل می‌خواهد به عنوان جایزه و یا مزد عمل به او پیردازند. سند khamenei.ir که این را در جریان اوشین نیز جریان مشابه وجود دارد، ما در برابر واکنش رهبر انقلاب نیز به جریانات ضد اسلامی مانند جریان قرآن سوزی توسط تری جونز نیز از رهبر انقلاب دامت برکاته مسائلی دیده‌ایم اما این مسئله (زیر سؤال بردن پیامبر خدا و امّه مخصوصین با هدف زیر سؤال بردن ولایت‌فقیه) با امثال آن مسائله فرق دارد، در اینجا هدف اصلی خود ولی فقیه است، لذا در این مقام برای دفاع از حریم ولایت باید دیگران اقدام نمایند لذا لازم است علماً و حوزه و علمیه و طلاق و اکنش لازم را نشان داده کما اینکه در تاریخ زمانی که حضرت علی ع را زیر سؤال می‌فوندند. نکته مهم دیگر: اگر ما اجازه نقد امام معصوم را داریم و نقد مفید است ما تمامی افکار و رفتار آقای روحانی را باید مورد بررسی قرار دهیم و این مطلب چیزی است که خود آقای روحانی را به آن دعوت نمودند، کلام و افعال آقای روحانی من الله نیست پس ما میتوانیم نقد کنیم و رد نماییم و قبول ننماییم ، ما تا اینجا از سه منظر دینی اثبات نمودیم که تئوری آقای روحانی مردود بوده و طبق مبانی مورد قبول این سه دسته باید از این گونه کلمات توبه کرده و الا شرایط نزول بلا برای ما را به همراه داشته است، عملکرد دیروز آقای دستاوردهای فردای آقای روحانی برای جامعه ما همان چیزی را به دنبال خواهد داشت که عمل دیروز آقای روحانی برای امروز ما به همراه داشته است، عملکرد دیروز آقای روحانی معامله با غرب بود که این معامله تنها برای ما از دست دادن این مطلب را در سخنرانیهای دانشجویان دانشگاهی از دست دادن آقای دکتر روحانی نیز شاهد بوده و هستیم.پس نتیجه در فردای پیش رو چه چیزهایی متوقف می‌شود؟ و ما امثال این مطلب را در سخنرانیهای دانشجویان در مقابل آقای دکتر روحانی نیز شاهد بوده و هستیم.پس نتیجه می‌گیریم در جامعه‌ی ایران افراد مذهبی و دانشگاهی عالم اعتمادی به آقای روحانی ندارند و کسانی اعتماد دارند که از مذهب و علم بی‌بهره هستند و یا بی‌اطلاعند و جریانات را نمیدانند.